

ربا و مشکلات اقتصاد ایران

حسین صمصامی*

چکیده

روح حاکم بر قانون عملیات بانکی بدون ربا استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار است. مهمترین ویژگی این قانون تغییر نظام تجهیز و تخصیص منابع و معرفی عقود مشارکتی و مبادله‌ای و حذف ربا از نظام بانکی و جایگزین نمودن نرخ سود است. فرضیه اساسی این مقاله آن است که گرچه با اجرایی شدن قانون از سال ۱۳۶۳، شکل ظاهری آن در عمل حفظ شد و چهارچوب قانون در قالب قراردادهای رسمی منعقد بین بانکی و مشتری نیز کمابیش رعایت گردید، اما تعیین نرخ سود علی‌الحساب که در واقع حداقل نرخ تضمینی از قبل تعیین شده برای سپرده‌های مدت‌دار بود از یک طرف و نرخ ثابت تعیین شده در ارایه تسهیلات مشارکتی و صورتی شدن قراردادهای منعقد (فروش اقساطی، مشارکت مدنی، سلف و سایر عقود) در عمل موجب شد تا در واقع قانون به درستی اجراء نشود. به نظر ما، نظام بانکی فعلی که از ادغام ۳۶ بانک ربوی دوران قبل از انقلاب ایجاد شده مناسب اجرای معاملات مصرح در قانون نیست و در اجراء شکل ربوی به خود گرفته است. نتایج این تحقیق تحلیلی نشان می‌دهد که ربوی شدن نظام بانکی و انحراف از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا موجب رشد شدید معوقات بانکی شد. همچنین ربا یکی از عوامل اصلی بروز بحران‌های اقتصادی در جهان و افزایش بیکاری و کاهش رشد اقتصادی کشورها بوده است.

کلید واژه‌ها: ربا، نرخ بهره، نظام بانکی، قانون عملیات بانکی بدون ربا، نرخ سود، تجهیز و تخصیص منابع، بحران‌های اقتصادی.

مقدمه^۱

بر اساس آموزه‌های اسلامی، رابطه‌ای تنگاتنگ میان تقوی و اطاعت از خداوند متعال و دستیابی به فراخی در معیشت و زندگی مادی انسان‌ها وجود دارد. آذر مقابل، میان اعراض از خداوند سبحان و دستورات او و گرفتار آمدن در سختی و مشقات زندگی رابطه‌ای مستقیم برقرار است. ^۲ منظور از تنگی معیشت، مطلق مشکلات و بن بست‌ها از جمله مشکلات اقتصادی است که هر انسان و جامعه‌ای اعم از فقیر و ثروتمند ممکن است با آنها دست به گریبان شود. ^۳ اعراض از یاد خدا نیز مصادیق فراوانی دارد و گستره و سیعی را در بر می‌گیرد. ^۴

این قانونمندی در مورد تمام جوامع بشری و تمامی ادوار تاریخ برقرار است. امروزه اقتصاد دانان برای یافتن ساز و کارهای مناسب برای تخصیص بهینه منابع، توسعه اقتصادی، افزایش درآمد سرانه، کاهش تورم و بیکاری، نیل به اشتغال کامل و در یک کلام ایجاد گشایش در زندگی مادی انسان‌ها، تلاش‌های بسیاری کرده‌اند. با این وجود، نگاهی گذرا به وضعیت اقتصادی مردم در سراسر دنیا، به ویژه کشورهایی که مهد تحولات و گسترش دانش متعارف اقتصاد قلمداد می‌شوند، روشن می‌کند که هنوز مردم از تنگی معاش و معیشت رنج می‌برند. بیکاری، رکود اقتصادی، کاهش درآمد سرانه، و فقر از جمله مشکلاتی است که به رغم تحولات گسترده در دانش اقتصاد، دامنگیر این کشورها شده است. بحران‌های اقتصادی در این کشورها به صورت دوره‌ای بروز می‌کند و موجب تنگی بیشتر معیشت مردم می‌گردد. در تمامی این جوامع، رفتارهای اقتصادی انسان‌ها، صرف نظر از تفاوت‌های جزئی موجود، دچار مشکلی مشترک است؛ که همان اعراض از یاد خدا در عمل و عدم به کارگیری قوانین و دستورات الهی در اداره امور اقتصاد است.

خداوند کریم در قرآن مجید از راهبردهایی چون انفاق، زکات، صدقه، قرض‌الحسنه، دوری از ربا، اطعام مسکین، عدم خوردن اموال به باطل برای اداره امور شخصی و اجتماعی انسان‌ها نام می‌برد. اجرای برخی از این قواعد، واجب شرعی (نظیر پرداخت زکات، و پرهیز از رباخواری) و برخی توصیه‌های مؤکداند. در میان این قواعد، خداوند متعال در بیانی صریح، ربا را در حکم جنگ با خدا و رسول خدا عنوان می‌کند:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا به پرهیزید، و آنچه از (مطالبات) ربا باقی مانده، رها کنید، اگر ایمان دارید! *اگر (چنین) نمی‌کنید، بدانید خدا و رسولش، با شما پیکار خواهند کرد! و اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما، از آن شما ست [اصل سرمایه، بدون سود]، نه ستم می‌کنید، و نه بر شما ستم وارد می‌شود؛ (بقره: ۲۷۸ و ۲۷۹).

از این آیات بسیار تکان دهنده استنباط می‌شود که در حیات اقتصادی و معیشت انسان‌ها ربا یکی از بزرگترین مصادیق نافرمانی خداوند و اعراض از یاد او و عدم پای‌بندی به تقوای الهی است. در این آیه، خداوند متعال به روشنی به یکی از راز و رمزهای بسیار مهم سعادت مادی انسان‌ها که همان حذف ربا و اجتناب از رباخواری است، اشاره می‌کند. بر این اساس، تا زمانی که این دستور الهی در اداره امور اقتصادی انسان‌ها به کار گرفته نشود، گسترش بیشتر دانشکده‌های اقتصاد، تدوین و نگارش مقالات متعدد و تربیت بی‌شمار اقتصاددان، تدوین برنامه‌های مختلف توسعه و اجرای طرح‌ها و سیاست‌های مختلف اقتصادی، تأثیری در گره‌گشایی از مشکلات اقتصادی انسان‌ها نخواهد داشت و تنگی معیشت مردم همچنان به عنوان یک معضل لاینحل در جوامع بشری باقی خواهد ماند.

بررسی بحران‌های عمده اقتصادی در دنیای غرب به خصوص بحران بزرگ سال ۱۹۳۰ نیز این نکته را روشن می‌کند که این مشکلات ریشه در گسترش ربا در نظام اقتصادی آنها دارد. مطالعات نشان می‌دهد که، جدا شدن بازار پول و کالا و گسترش بورس بازی در بازار پولی با قراردادهای با نرخ بهره ثابت (ربا)، عامل اصلی بروز بحران است.

در راستای تحقق این آموزه اسلامی، قانون عملیات بانکی بدون ربا به منظور حذف ربا از نظام بانکی کشور از سال ۱۳۶۳ به مرحله اجرا درآمد. با وجود دقت به عمل آمده در تنظیم این قانون، عملکرد ۲۵ ساله نظام بانکی در اجرای آن چندان موفقیت‌آمیز نبوده است. در این میان عملکرد صوری نظام بانکی و اجرای نامناسب قانون موجب شده تا همچنان ربا به صورت کامل از نظام بانکی کشور حذف نشود و جلوه‌هایی از اعراض از یاد خدا به وقوع بپیوندد. این امر موجب شده تا اقتصاد کشور نتواند از مشکلات و معضلات مختلف اقتصادی که ریشه در ربا دارد، رهایی یابد. روشن است تا زمانی که ربا در اقتصاد جریان

دارد و نظام پولی کشور به ربا آلوده است، اجرای هر نوع برنامه و سیاست اقتصادی، ریشه اصلی معضلات اقتصادی را از بین نخواهد برد.

هدف این مقاله نشان دادن این مهم است که جلوه‌هایی از ربا همچنان بر نظام پولی و بانکی کشور، حاکم است و این معضل ریشه بسیاری از مشکلات اقتصادی کنونی است. هرچند تاکنون مقالات زیادی از سوی صاحب‌نظران درباره آسیب‌شناسی نظام بانکی کشور انتشار یافته، که در آنها به مشکل صوری بودن معاملات بانکی و در نتیجه، آلوده بودن این نظام به ربا اشاره شده است؛ اما تاکنون نوشتاری مستند به آمار و ارقام عملکرد بانک‌های کشور، در این‌باره مشاهده نشده است. این مقال به تفصیل به این موضوع می‌پردازد.

نگاهی اجمالی به وضعیت بانکداری در ایران

بانکداری در ایران بیش از یک قرن سابقه دارد و به صورت رسمی از سال ۱۲۶۶ آغاز گردیده است. در طول بیش از یک قرن گذشته، نظام بانکی تحولات گسترده‌ای را تجربه کرده است. مهم‌ترین این تحولات مربوط به سال‌های پس از انقلاب اسلامی است. در سال ۱۳۵۷ و هم‌زمان با وقوع انقلاب اسلامی، ۳۶۷ بانک در نظام بانکی کشور فعالیت داشتند که هفت بانک فعالیت‌های تخصصی، ۲۶ بانک فعالیت‌های تجاری و سه بانک دیگر فعالیت‌های منطقه‌ای عهده‌دار بودند. این بانک‌ها، از نظر مالکیت نیز به سه بخش دولتی، خصوصی و مختلط (مشارکت سرمایه ایرانی و خارجی) تقسیم می‌شدند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دلایل گوناگون از جمله مسائل سیاسی ناشی از انقلاب، متواری شدن بسیاری از سرمایه‌داران و مؤسسان بانک‌های خصوصی، کاهش دارایی‌های اغلب بانک‌ها به دلیل وصول نشدن مطالبات و اتکای بیش از حد این بانک‌ها، به ویژه بانک‌های خصوصی به بانک مرکزی در تأمین نقدینگی مورد نیاز، وضعیتی به وجود آمد که اکثر بانک‌ها با خطر ورشکستگی مواجه شده بودند. برای مقابله با این وضعیت، همچنین لزوم حاکمیت احکام شرعی در کشور به ویژه در نظام بانکی، اقدامات زیر انجام گرفت:

- ملی کردن بانک‌ها و تصویب لایحه اداره امور بانک‌ها؛

- ادغام بانک‌ها؛

- تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا.

با توجه به مشکلات حاد مالی اکثر بانکها و همچنین بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی ج.ا. ایران، شورای انقلاب در تاریخ ۵۸/۳/۱۷ برای حفظ حقوق و سرمایه‌های ملی و به کار انداختن چرخ‌های تولید کشور و تضمین سپرده‌ها و پس‌اندازهای مردم در بانکها، کلیه بانک‌های خصوصی و مختلط را ملی اعلام نمود. به دنبال ملی شدن بانکها، با توجه به تغییر مالکیت بانک‌های خصوصی و دولتی، نحوه اداره بانکها نیز لزوماً باید تغییر می‌کرد. به همین دلیل، لایحه قانونی اداره امور بانکها در تاریخ ۵۸/۷/۳ به تصویب رسید. در این لایحه مقرر گردید که کلیه بانک‌های تجاری، تخصصی و ناحیه‌ای طبق مواد این لایحه اداره شوند.^۸ گام بعدی ادغام بانکها بود. نگاهی به وضعیت بانک‌های ایران طی سال‌های ۵۲ تا ۵۷ نشان می‌دهد که، تعداد بانک‌های کشور به استثنای بانک مرکزی از ۲۴ بانک در پایان سال ۵۲ به ۳۶ بانک در پایان سال ۵۷ و تعداد شعب بانکی از ۶۹۹۳ واحد در سال ۱۳۵۲ به ۸۲۷۴ شعبه در پایان اسفند ۱۳۵۷ افزایش یافته بود.^۹ بر اساس طرح ادغام بانکها، شبکه بانکی کشور، به استثنای بانک مرکزی، از ۳۶ بانک به ۹ بانک (شش بانک تجاری و سه بانک تخصصی) تقلیل یافت. ملی کردن و ادغام بانکها، نظام بانکی را از نظر تشکیلاتی بهبود بخشید، اما مهم‌ترین مسئله، حذف بهره (ربا) از عملیات بانکی بود. مهم‌ترین اقدام عملی برای حذف بهره از نظام بانکی، تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا در سال ۱۳۶۲ و اجرای آن از ابتدای سال ۱۳۶۳ بود.

تجهیز و تخصیص منابع در نظام بانکی فعلی

در طول ۲۵ سال اخیر بررسی نحوه تجهیز و تخصیص منابع در نظام بانکی کشور، می‌تواند تصویر روشنی از چگونگی اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا در عمل ارائه دهد. جدول شماره (۱) مانده سپرده‌ها و تسهیلات اعطایی را در چهارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا نشان می‌دهد. بر اساس ارقام مندرج در این جدول، شکل ظاهری عملیات تجهیز و تخصیص منابع، مطابق قانون است. در بخش تجهیز منابع، وجوه با استفاده از سپرده‌های قرض‌الحسنه و سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار جمع‌آوری می‌شود. سپرده‌های

قرض الحسنه به دو صورت «دیداری» و «پس انداز» و سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار نیز در دو قالب سپرده‌های سرمایه‌گذاری «کوتاه‌مدت» و «بلندمدت» در نظام بانکی نگهداری می‌شوند.

بر اساس جدول (۱)، در سال ۱۳۸۷، ۲۱ درصد منابع بانکی به صورت سپرده‌های دیداری «قرض الحسنه» و ۷۹ درصد به صورت سپرده‌های غیردیداری «سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت، سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت» نگهداری شده‌اند. همچنین، از کل منابع نظام بانکی، ۳۳ درصد سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت، ۳۵ درصد سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت، ۳۰ درصد سپرده‌های قرض الحسنه اعم از دیداری و پس‌انداز و ۹ درصد سپرده‌های قرض الحسنه پس‌انداز بوده است.

همچنین در قسمت تسهیلات اعطایی نیز وجوه در قالب عقود اسلامی مصرح در قانون یعنی قرض الحسنه، مضاربه، سلف، مشارکت (مدنی و حقوقی)، جعاله، فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سرمایه‌گذاری مستقیم و جعاله اعطا شده است. در سال ۱۳۸۷، از کل تسهیلات اعطایی، ۴۵ درصد در قالب عقد فروش اقساطی و ۱۷ درصد به صورت مشارکت مدنی ارائه شده است. بدین ترتیب، معادل ۶۲ درصد از کل تسهیلات در قالب دو عقد مزبور اعطا شده است.

تعیین نرخ‌های سود بانکی در تجهیز و اعطای تسهیلات

برخلاف مواد مندرج در قانون عملیات بانکی بدون ربا، به غیر از سپرده‌های قرضه الحسنه، به تمامی سپرده‌ها بانکی حداقل نرخ سود تضمین شده تحت عنوان «نرخ سود علی الحساب» پرداخت می‌شود. جدول شماره (۲) و (۳)، نرخ سود علی الحساب سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار را در پایان سال، در بانک‌های دولتی و بانک‌های غیردولتی و مؤسسات اعتباری غیربانکی نشان می‌دهد. در ۲۵ سال گذشته، اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، همواره نرخ تضمین شده‌ای از سوی نظام بانکی به سپرده‌گذاران پرداخت شده و تنها در سال‌های اخیر درصدی بیشتر نسبت به نرخ اعلامی پرداخت شده است.

این نرخ، در سال ۱۳۸۷ از حداقل ۱۰-۹ درصد (کوتاه مدت) در بانک‌های دولتی تا حداکثر ۱۹-۱۷ درصد (سپرده سرمایه‌گذاری پنج ساله) بوده است. در بانک‌های غیردولتی

و مؤسسات اعتباری غیربانکی نیز به سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار تقریباً همین درصد پرداخت شده است. همچنین در خصوص تخصیص منابع نیز تمامی متقاضیان تسهیلات نظام بانکی در قالب هر عقدی با سود از قبل تعیین شده‌ای مواجه بوده‌اند تمامی مشتریان در هنگام دریافت تسهیلات ملزم به پرداخت آن بوده‌اند.

ارقام مندرج در دو جدول (۲) و (۳)، نرخ سود مورد انتظار تسهیلات را در عقود مبادله‌ای، (مانند فروش اقساطی، سلف، جعاله و اجاره به شرط تملیک)، در بانک‌های دولتی و بانک‌های غیردولتی و مؤسسات اعتباری غیربانکی نشان می‌دهد. این سود مورد انتظار در واقع نرخ قطعی است که در ابتدای انعقاد قرارداد با متقاضیان تسهیلات مشخص شده است. برای عقود مشارکتی نظیر مشارکت مدنی، مضاربه نیز در تعیین نرخ سود همانند عقود مبادله‌ای عمل شده و نرخ‌های سود این عقود حتی بیشتر از عقود مبادله‌ای از قبل تعیین می‌شوند.

جدول ۱: تجهیز منابع و تسهیلات اعطایی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی (ارقام: میلیارد ریال)

تجهیز و تخصیص - سال	۱۳۸۴ (درصد)	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷ (درصد)	پنج ماهه اول ۱۳۸۸	پنج ماهه اول ۱۳۸۸
کل تجهیز منابع	۸۷۰۳۴۴	۱۲۲۲۷۴۸	۱۵۶۰۳۸۴	۱۷۴۳۶۰۲	۱۹۲۲۱۵۲	۱
سپرده‌های دیداری (قرض الحسنه)	۲۶۷۲۴۳٫۸	۳۵۳۰۹۳٫۲	۴۵۵۷۹۸٫۱	۳۶۷۷۱۸٫۳	۳۵۷۶۱۴٫۱	۱۹
سپرده‌های غیر دیداری	۶۰۲۱۰۰۰	۸۶۹۶۵۴٫۵	۱۱۰۴۵۸۵٫۷	۱۳۷۵۸۸۳٫۵	۱۵۶۴۵۳۷٫۴	۸۱
سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه مدت	۲۲۳۲۹۱٫۶	۳۵۳۶۶۶٫۸	۴۹۵۶۰۸٫۷	۵۶۷۴۵۸٫۶	۶۶۷۲۵۷٫۰	۲۵
سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت	۲۶۶۴۰۱٫۶	۳۵۳۴۳۳٫۷	۴۲۰۳۷۵٫۸	۶۱۰۱۸۵٫۵	۶۸۹۲۷۶٫۸	۳۶
سپرده‌های قرض الحسنه پس انداز	۹۳۲۳۰٫۱	۱۳۳۵۲۲٫۴	۱۵۲۳۰۵۰	۱۵۳۹۴۶٫۷	۱۶۰۲۶۶٫۱	۸
سایر سپرده‌ها	۳۰۱۷۶٫۷	۲۹۰۳۱٫۶	۳۶۲۹۶٫۲	۴۴۲۹۲٫۷	۴۷۶۳۷٫۵	۲
کل تسهیلات اعطایی	۸۳۲۸۳۲	۱۱۷۹۷۲۳	۱۶۱۵۷۹۱	۱۸۱۳۳۵۰	۱۸۹۲۷۲۳	۱
قرض الحسنه	۳۷۰۰۲٫۵	۴۰۷۸۹٫۰	۵۱۰۱۲٫۶	۶۳۶۹۰٫۰	۷۴۹۱۷٫۹	۴
مضاربه	۵۷۲۹۹٫۲	۹۰۶۲۶٫۹	۱۴۴۸۰۱٫۵	۱۲۲۴۵۲٫۱	۱۰۱۱۸۹٫۱	۵٫۳
سلف	۴۳۰۵۷٫۲	۵۷۱۸۹٫۱	۶۳۲۶۴٫۱	۵۶۹۰۱٫۱	۳۸۶۵۲٫۱	۲
مشارکت مدنی	۹۳۳۷۵٫۳	۱۷۶۴۳۲٫۴	۲۵۸۳۱۵٫۸	۳۰۶۳۱۱٫۰	۳۶۸۱۷۹٫۳	۱۹٫۵
جعاله	۵۲۲۷۵٫۲	۵۹۶۳۹٫۹	۷۰۳۷۷٫۵	۷۸۲۲۵٫۵	۷۴۲۲۲٫۸	۳٫۹
فروش اقساطی	۴۱۵۷۳۸٫۹	۵۶۸۰۷۰۰	۷۸۴۴۷۵٫۷	۸۱۷۶۷۶٫۵	۷۶۸۹۳۲٫۳	۴۰٫۶
اجاره به شرط تملیک	۳۱۰۷۲٫۲	۳۴۸۰۶٫۴	۲۹۴۳۱٫۸	۲۶۱۶۲٫۸	۲۴۱۷۲٫۷	۱٫۳
مشارکت حقوقی	۲۰۴۲۹٫۰	۲۱۳۹۶٫۰	۲۲۵۳۳٫۳	۲۷۹۲۱٫۳	۲۸۳۳۷٫۳	۱٫۵
سرمایه‌گذاری مستقیم	۸۰۴۱٫۶	۱۱۴۸۳٫۰	۱۴۱۸۱٫۰	۱۳۱۲۲٫۷	۱۳۸۷۷٫۰	۰٫۷
سایر	۷۴۵۴۰٫۴	۱۱۹۲۸۹٫۹	۱۷۷۳۹۷٫۹	۳۰۰۷۸۷٫۱	۴۰۲۴۴٫۴	۲۱٫۲

سایر: شامل خرید دین، اموال معاملات، مطالبات سررسید گذشته و معوق می‌باشد.

منبع: سایت اینترنتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بخش پولی و بانکی؛ خلاصه تحولات اقتصادی کشور ۱۳۸۷، ص ۷۶؛ مجله بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران «۱۳۸۵»، ش ۲۸۹ و ۲۹۰، ص ۱۹.

جدول ۲: نرخ‌های سود بانکی (دولتی)

نرخ سود مورد انتظار تسهیلات (عقود مبادله ای)						نرخ سود علی الحساب سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار (پایان سال)						
کشاورزی	صنعت و معدن	مسکن و ساخت‌وساز	بازرگانی و خدمات و متفرقه	صادرات	پنج ساله	چهار ساله	سه ساله	دو ساله	یک ساله	کوتاه مدت ویژه	کوتاه مدت	سال
۱۶	۱۶	۱۵	۱۶	۱۶	۱۷	۱۳-۱۷	۱۳-۱۷	۱۳-۱۷	۱۳	۹	۷	۱۳۸۴
۱۴	۱۴	۱۳	۱۴	۱۴	۱۶	۷-۱۶	۷-۱۶	۷-۱۶	۷-۱۶	۷-۱۶	۷	۱۳۸۵
۱۲	۱۲	۱۱	۱۲	۱۲	۱۶	۱۳:۸-۱۶	۱۳:۷-۵:۸	۱۳-۱۵:۸	۱۲-۱۶	۸-۱۶	۷-۸	۱۳۸۶
۱۲	۱۲	۱۱	۱۲	۱۲	۱۷-۱۹	۱۶:۵-۱۸	۱۶-۱۷	۱۵:۵-۱۶	۱۵-۱۶	۱۰-۱۶	۹-۱۰	۱۳۸۷

منبع: نماگرهای اقتصادی، بانک مرکزی ج.ا.ا. سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ و گزارش اقتصادی و ترازنامه و بانک مرکزی ج.ا.ا. سال ۱۳۸۵ ص ۱۲۵

جدول ۳: محدوده نرخ سود بانکی (بانک‌های غیر دولتی و مؤسسات اعتباری غیر بانکی)

محدوده نرخ سود مورد انتظار تسهیلات (عقود مبادله ای)	نرخ سود علی الحساب سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار (پایان سال)							سال
	پنج ساله	چهار ساله	سه ساله	دو ساله	یک ساله	کوتاه مدت ویژه	کوتاه مدت	
۲۳-۲۸	۱۹:۵-۲۰:۵	۱۸-۲۰	۱۷-۱۹:۵ ۵	۱۷-۱۹	۱۶-۱۸	۱۴-۱۵	۱۲-۱۴	۱۳۸۴
۱۷	۱۷-۱۸:۵	۱۷-۱۸:۲۵	۱۷-۱۸	۱۷-۱۷:۷۵	۱۷-۱۷:۵	۱۴:۵-۱۶	۱۴	۱۳۸۵
۱۳	۱۵-۱۷:۵	۱۵-۱۷:۲۵	۱۵-۱۷:۲۵	۱۵-۱۷:۲۵	۱۷-۱۷:۵	۱۵-۱۷:۳۵	۱۰-۱۳	۱۳۸۶
۱۲	۱۷:۵-۱۹	۱۷-۱۸:۵	۱۶-۱۷	۱۵:۵-۱۷:۵	۱۴:۵-۱۷:۲۵	۱۲-۱۶	۹	۱۳۸۷

منبع: نماگرهای اقتصادی، بانک مرکزی ج.ا.ا. سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷

ارزیابی میزان تحقق قانون عملیات بانکی بدون ربا

بر اساس ارقام و اطلاعات ارائه شده در خصوص نحوه عملکرد نظام بانکی در چارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا، شکل ظاهری عملیات تجهیز و تخصیص منابع، مطابق قانون است. وجوه، در قسمت تجهیز منابع، به دو صورت سپرده‌های قرض‌الحسنه و سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار جمع‌آوری شده و در قسمت تجهیز منابع در قالب عقود مصرح در قانون پرداخت می‌شوند. با این وجود، بررسی عملکرد نظام بانکی در ۲۵ ساله اخیر نشان می‌دهد که در مقام عمل تحولی اساسی در نظام تجهیز و تخصیص منابع، رخ نداده و عملیات نظام بانکی در موارد بسیاری به نظام بانکی ربوی شبیه است. می‌توان عنوان داشت: «گرایش فکری تحصیل سود در اغلب بانکداران، که مدیریت بانکی را به

جای «کارایی» در «سوددهی محض» می‌دانند و فقدان ساختارهایی مانند بازار سرمایه، توجه و تمایل بانکداران را به استفاده بیشتر از تسهیلات کوتاه‌مدت معطوف داشته است. بانک‌ها به لحاظ دولتی‌بودن (از نظر ساختار) و کمبود پرسنل متخصص آشنا به امر تولیدی و سرمایه‌گذاری، در چند سال اخیر عملیات خود را در اموری متمرکز کرده‌اند که در آن بیشترین تخصص را دارند، و آن همان نقل و انتقال پول (مدیریت وجوه) است. بدین ترتیب، فعالیت‌های بانکی مندرج در قانون، که موجب غیررئوی شدن عملیات بانکی می‌شود، به ندرت شکل اجرایی به خود گرفته است. در ادامه، میزان تطابق عملکرد نظام بانکی در تجهیز و تخصیص منابع، در چارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا، با عملیات بانکی بدون ربا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. تطابق تجهیز منابع با قانون عملیات بانکی بدون ربا

در نظام بانکداری ربوی، سپرده‌گذار با قرار دادن وجوه خود نزد بانک، نرخ ثابت و از قبل تعیین شده‌ای را دریافت می‌کند. در این حالت، نظام بانکی واسطه‌گری وجوه مالی را بر عهده دارد و صرف‌نظر از نوع استفاده از وجوه در اعطای وام، می‌باید نرخ از قبل تعیین شده‌ای را به سپرده‌گذار پرداخت نماید. قانون‌گذار در قانون عملیات بانکی بدون ربا برای پرهیز از این رویه، تعیین نرخ مشخص برای سپرده‌گذار را ممنوع کرده و در مواد ۳ و ۴ و ۵ و ۶ قانون، نحوه تجهیز منابع توسط نظام بانکی را تعیین کرده است. طبق ماده سه، بانک‌ها می‌توانند تحت عناوین، سپرده قرض‌الحسنه (جاری و پس‌انداز) و سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار به قبول سپرده مبادرت نمایند. بر اساس تبصره ذیل این ماده، سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار که بانک در به کار گرفتن آنها وکیل می‌باشد، در امور مشارکت، مضاربه، اجاره بشرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بر اساس ماده ۵، منافع حاصل از عملیات مذکور در تبصره ماده (۳) این قانون، بر اساس قرارداد منعقد، متناسب با مدت و مبالغ سپرده‌های سرمایه‌گذاری و رعایت سهم منابع بانک به نسبت مدت و مبلغ در کل وجوه به کار گرفته شده در این عملیات، تقسیم

خواهد شد. بر اساس قانون، بانک به عنوان وکیل مردم می‌باید سپرده‌های آنها را در فعالیت‌های اقتصادی به کار گیرد و پس از برداشتن حق‌الزحمه خود، باقی مانده سود را بر اساس ماده ۵ بین سپرده‌گذاران تقسیم کند.

بر اساس قراردادهای منعقد شده بین بانک و مشتری در تجهیز منابع سرمایه‌گذاری، بانک‌ها از رابطه وکالت در بخش تجهیز منابع استفاده می‌کنند. به‌رغم عدم قید واژه «مشاع» در قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک از سپرده‌گذار وکالت می‌گیرد که منابع او را به طور مشاع استفاده نماید. با توجه به اینکه بر اساس ماده ۵ قانون و تبصره ذیل ماده ۳، بانک‌ها باید سپرده‌های مدت‌دار را بر اساس نوع قرارداد منعقد شده در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی و غیره استفاده نمایند و سود حاصله را تقسیم نمایند؛ به کارگیری آنها به صورت مشاع مشکل‌ساز است لازم اجرای صحیح قانون آن است که، به طور دقیق مشخص شود که سپرده‌ها در چه اموری استفاده شده‌اند که متناسب با آن سود تقسیم شود. این موضوع، با اصل استفاده از سپرده‌ها به صورت مشاع عام، که هم‌اکنون در بانک‌های کشور رایج است، منافات دارد. توضیح اینکه، استفاده مشاع از سپرده‌های مردم به دو صورت مشاع عام و مشاع خاص امکان‌پذیر است. منظور از مشاع عام آن است که، بانک به طور عام وجوه مازاد مردم را جمع‌آوری نماید و سپس، به وکالت از مردم همه آنها را بدون تفکیک در همه پروژه‌های انتخابی خود به کار گیرد. مانند اینکه همه آب‌های چشمه‌های مختلف را در استخری جمع‌آوری کرده و سپس، به سمت مصارف مختلف هدایت نماید. اما منظور از مشاع خاص آن است که، مردم از همان ابتدا برای هر پروژه به طور مجزا سپرده‌گذاری نمایند و بانک‌ها نیز موظف باشند وجوه مربوط به هر پروژه را فقط در همان پروژه به کار گیرند و در پایان نیز سود حاصل از آن فعالیت اقتصادی خاص را تنها میان سپرده‌گذاران همان پروژه تقسیم نمایند. گرچه قانون نسبت به استفاده از وجوه به صورت مشاع عام ساکت است، استفاده عام از وجوه سپرده‌گذاری شده به ابزاری برای سرپوش گذاشتن بر ناکارآمدی‌های بانک‌ها بدل شده است. زیرا هنگامی که سود حاصل از سرمایه‌گذاری در پروژه‌های گوناگون در یک‌جا جمع و سپس میان سپرده‌گذاران تقسیم

شود، برای بانک چندان اهمیت نخواهد داشت که تمامی پروژه‌ها سودآور باشند، بلکه کافی است که مجموع آنها سودآور باشد. این مسئله موجب می‌گردد تا بانک دقت لازم را در انتخاب پروژه از خود نشان ندهد. همچنین از آنجا که اساساً بانک‌ها، تخصص کافی در همه حوزه‌های اقتصادی همچون تجارت و صنعت را ندارند، آثار منفی شیوه کنونی بانک‌ها در به‌کارگیری منابع به شیوه مشاع عام، بهتر خود را نشان خواهد داد.

بر اساس رویه موجود بانک‌ها طبق قرارداد منعقد شده با مشتری از سپرده‌ها به صورت مشاع استفاده کرده و سود حاصله را به صورت علی‌الحساب به سپرده‌گذاران پرداخت می‌کنند بر این اساس، بانک‌ها با این تصور که منابع خود را از دست ندهند و مردم نیز به سپرده‌گذاری تمایل یابند، از همان ابتدا برای سپرده‌گذاری سودی را به عنوان «علی‌الحساب» تعیین نموده و مطابق مقدار سپرده و مدت آن به سپرده‌گذار پرداخت می‌نمایند. در این چارچوب، مقرر شده که نظام بانکی در پایان هر سال سود واقعی حاصل از فعالیت‌های اقتصادی بانک را محاسبه نموده و اگر سود بیش از سود علی‌الحساب باشد، آن را به سپرده‌گذار بپردازند. و در صورتی که کمتر از آن باشد، بانک آن را به سپرده‌گذار ببخشد. در عمل سود علی‌الحساب، به صورت قطعی درآمده و عدم تسویه حساب لازم توسط بانک در پایان سال برای تعیین مقدار سود واقعی — البته به استثنای سال‌های اخیر — برای سپرده‌گذاران سود ثابت و مطمئنی را به ارمغان آورده است.

تعیین سود ثابت، موجب اطمینان سپرده‌گذاران از بازدهی حتمی و مثبت طرح‌های سرمایه‌گذاری شده است. و در نتیجه، سپرده‌گذاران بدون توجه به چگونگی توزیع و مصرف سپرده‌ها و بدون تصور هیچ زیانی، سود حاصل از سپرده‌های خود را دریافت می‌نمایند. در این شرایط، سپرده‌گذار مانند فردی است که مقداری از وجوه مازاد خود را در اختیار بانک، به عنوان وکیل خود، قرار داده و در زمان‌های مشخص، متناسب با مقدار سپرده خود و مدت آن، سود دریافت می‌کند. این عمل حتی با نفس عقد وکالت نیز منافات دارد؛ زیرا وکیل، سرمایه‌های موکل را در زمینه‌های توافق شده به‌کار گرفته و ضامن سود یا

زیان نمی‌باشد و فقط حق‌الوکاله خود را دریافت می‌کند و اصلاً مکلف به پرداخت مبلغ مازادی نیست.

چنانچه پیش از این نیز عنوان شد، بانک‌ها در عمل نرخ‌های سودهای علی‌الحساب را که حداقل تضمین شده هستند، به مشتریان خود پیشنهاد می‌دهند و در بیشتر سال‌ها، همان نرخ‌های سود علی‌الحساب، در پایان دوره سپرده‌گذاری قطعی تلقی شده‌اند. بر این اساس، بانک که وکیل سپرده‌گذاران است برخلاف مقتضای عقد وکالت، اصل سپرده و سود مثبت علی‌الحساب را ضمانت می‌کند.^۲ نتیجه آنکه، سپرده‌گذار دقیقاً همانند یک سپرده‌گذار در بانک‌های ربوی رفتار می‌کند. او وجوه خود را برای مدت معینی را نزد بانک می‌گذارد و اصل و بهره معینی مو سوم به «سود علی‌الحساب» را دریافت می‌نماید. از نظر وی، مهم نیست که وجوه سپرده‌گذاری او در چه زمینه‌ای به کار گرفته می‌شود و نظارتی هم بر این کار نداشته و نمی‌تواند داشته باشد.

بدین ترتیب، یکی از مهم‌ترین دلایل عدم موفقیت اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، تعیین نرخ‌های سود علی‌الحساب است. تعیین نرخ سود علی‌الحساب در بخش تجهیز منابع (سپرده‌ها)، گرچه در ظاهر باید بر مبنای عملکرد واقعی بانک‌ها باشد، اما در عمل به عنوان حداقل نرخ سود تضمینی برای سپرده‌ها به شمار می‌رود.

۲. تطابق تخصیص منابع با قانون عملیات بانکی بدون ربا

در نظام بانکداری ربوی، متقاضیان وام، وجوه مورد نیاز خود را با نرخ ثابتی (بهره)، دریافت کرده و موظف به بازپرداخت اصل و فروع آن در زمان مقرر می‌باشند. در قانون عملیات بانکی بدون ربا، برای اجتناب از این رویه، پرداخت وجوه و دریافت اصل به اضافه مبالغ اضافی ممنوع شده و در مواد ۷ الی ۱۷ قانون، نحوه تخصیص منابع توسط نظام بانکی تعیین گردیده است. بر اساس این مواد، بانک‌ها مکلفند تسهیلات اعطایی را در قالب عقود اسلامی مطرح در قانون یعنی قرض‌الحسنه، مضاربه، سلف، مشارکت (مدنی، حقوقی)، جعاله، فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سرمایه‌گذاری مستقیم و جعاله اعطا کنند. در صورت اجرای دقیق قانون، نرخ‌های سود در عقود مبادله‌ای، یعنی فروش اقساطی، سلف،

اجاره به شرط تملیک و جعاله، می‌باید بر اساس مبادلات واقعی در بازار کالا و خدمات تعیین شود. در مورد عقود مشارکتی یعنی مشارکت مدنی مشارکت حقوقی، سرمایه‌گذاری مستقیم مدنی و مضاربه نیز برخی از قبل تعیین نمی‌شود.

اهمیت این موضوع برای قانون‌گذار به حدی است که در سال ۱۳۸۵ با گذشت بیش از بیست سال از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، قانون منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی متناسب با نرخ بازدهی در بخش‌های مختلف اقتصادی، با تأکید بر قانون عملیات بانکی بدون ربا^{۱۳} به تصویب رسید. در تبصره یک ذیل ماده واحده قانون آمده است: «در باره عقود با بازدهی متغیر، بانک‌ها مکلفند بدون تعیین نرخ سود مورد انتظار، بر اساس مفاد قانون عملیات بانکی بدون ربا، در حاصل فعالیت اقتصادی مورد قرارداد شریک شوند».

این نحوه تخصیص منابع مصرح در قانون، موجب شده تا از منظر قانونی بانک‌ها هنگام استفاده از عقود مانند فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک، مجاز به اعطای وجوه به طور مستقیم به مشتریان نباشند، در عوض بانک‌ها موظفند تا دارایی‌های منقول و غیر منقول و سایر کالاهای مورد نیاز متقاضی را خریداری و به مشتری به صورت اقساطی و اجاره به شرط تملیک واگذار نمایند. در عقود همانند سلف و جعاله نیز بانک می‌باید در مقابل پیش‌خرید محصول و یا ارائه خدماتی وجوه را به مشتری منتقل کند. همچنین بانک‌ها در ارائه تسهیلات در قالب عقود مشارکتی، همانند مشارکت مدنی و مضاربه، مجاز به عرضه وجوه در ازای سود معین از قبل تعیین شده نیستند. در این چارچوب، مشارکت و مضاربه باید به شکل صحیح و واقعی خود انجام شود. این شکل صحیح را کما و بیش^{۱۴} می‌توان در قراردادهای رسمی منعقد بانک با مشتریان ملاحظه کرد. به عنوان نمونه، در ماده یک قرارداد فروش اقساطی مسکن آمده است: بانک شش‌دانگ یک باب خانه را به مالکیت درآورده و سپس، به خریدار به صورت اقساطی تحویل می‌نماید.

در ماده یک قرارداد فروش اقساطی اموال، موضوع قرارداد را فروش اقساطی اموالی با مشخصات معین به مشتری ذکر کرده است. و در این قرارداد، مشخصات کالای مورد معامله باید در پیش فاکتور قید شود.

همچنین در قرارداد اجاره به شرط تملیک، قرارداد بین بانک به عنوان «موجر» و متقاضی به عنوان «مستاجر» منعقد می‌شود. در ماده یک این قرارداد، مورد اجاره به طور دقیق مشخص می‌شود و مستأجر اقرار می‌کند آن را به طور صحیح و سالم و با کیفیتی که مورد تقاضای وی بوده تماماً به تصرف درآورده است.

در ماده یک قرارداد سلف کالای مورد معامله به طور دقیق مشخص می‌شود، به گونه‌ای که تاریخ تحویل هر محموله، مقدار هر محموله، نوع، مقدار و مشخصات، تعداد، قیمت واحد، مبلغ کل و محل و تاریخ تحویل کالا نیز معین می‌شود. نکته جالب توجه اینکه در ماده دو، قیمت پیش‌بینی شده فروش کالا بدین ترتیب تعریف می‌شود:

پیش‌بینی قیمتی که در زمان تحویل، کالا به فروش خواهد رسید و فروشنده در هنگام ارائه تقاضای اعطای تسهیلات سلف به بانک اعلام نموده است مبلغ..... ریال می‌باشد که مراتب مورد تأیید فروشنده است و بانک مبلغ..... ریال جهت پیش‌خرید کل موضوع ماده یک این قرارداد یکجا به فروشنده پرداخت و فروشنده اقرار به دریافت آن نمود و متعهد گردید مورد معامله را در محل و موعد مقرر یکجا/ به تدریج و به نحوی که هر بار از مقدار/ تعداد..... کمتر نباشد به بانک تحویل دهد. تحویل مورد معامله در محلی غیر از محل مذکور در ماده یک به شرطی ممکن است که بر اساس درخواست یا موافقت بانک صورت گیرد.

در ماده یک «قرارداد مشارکت مدنی احداث و تکمیل واحد ساختمانی و تأسیسات و نصب ماشین‌آلات طرح» موضوع مشارکت، سرمایه‌گذاری و اقدام در امر؛ الف) احداث / توسعه / خط تکمیل ساختمان اداری / تجاری / صنعتی ب) خرید و نصب تأسیسات و منصوبات، عنوان شده که مشخصات دقیق کمی و کیفی آن مشخص است. در ماده دو موقعیت دقیق جغرافیایی طرح تعیین و ذکر شده که مجوزهای لازم محل ایجاد و نصب و راه اندازی کارخانه تولید..... اخذ شده است.

در ماده سه حق فسخ، افراز و تقاضای تقسیم مال‌الشركه و انتقال آن به غیر، از مشتری سلب شده است. در ماده چهار سهم‌الشركه طرفین — بانک و مشتری — تعیین و نحوه استفاده و برداشت وجوه توسط مشتری مشخص شده است. در تبصره سه این ماده آمده است؛ «مشارکت بانک و شریک در طرح موضوع مشارکت به صورت مشاع می‌باشد و به

نحوی که شریک به تنهایی و مستقلاً بدون اذن و اجازه قبلی و کتبی بانک حق هیچ‌گونه معامله‌ای تحت هر عنوان نسبت به هیچ یک از اموال موضوع مشارکت را ندارد." در این قرارداد نرخ سود از قبل تعیین نشده است.

در ماده یک «قرارداد مضاربه وارداتی» مبلغ سرمایه اختصاصی بانک به عامل مشخص شده است. در ماده دو موضوع قرارداد، ورود و فروش کالایی با ذکر مشخصات کلی آن و کشوری که کالا از آن وارد می‌شود، همچنین نوع کالا، مقدار، تعداد، نوع حمل، مبدا، مبلغ به ارز، شماره تعرفه کالا و پایه محاسبه قیمت (FOB, C&F, CIF) قید شده است. در ماده سه بیان شده که اقدامات عامل باید طوری تنظیم شود که تا پیش از انقضای قرارداد، کالا وارد و به فروش رسیده و اصل سرمایه و سهم سود بانک پرداخت شود.

بررسی فوق نشان می‌دهد که در نگارش این قراردادها، که بیش از ۷۰ درصد تسهیلات در سال ۱۳۸۷ در قالب آنها ارائه شده شکل ظاهری قانون کما و بیش رعایت شده است. اما مشکل آن است که در عمل به مفاد آنها توجهی نشده و به گونه‌ای دیگر رفتار شده است.

بانک‌ها در ارائه تسهیلات در قالب عقود مبادله‌ای — فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک — بسیار به ندرت دارایی‌های منقول و غیرمنقول و سایر کالاها مورد نیاز متقاضی را خریداری و به مشتری به صورت اقساطی و یا اجاره به شرط تملیک واگذار می‌نمایند. در عقود مبادله‌ای همانند سلف و جعاله، در اکثر قریب به اتفاق موارد، وجه پرداختی در مقابل پیش‌خرید محصول و یا ارائه خدماتی نیست.

در قراردادهای فروش اقساطی مشتری با ارائه فاکتورهایی مبنی بر خرید کالا، تسهیلات را به صورت وجوه نقدی از بانک دریافت می‌کند. در برخی موارد، بانک متقاضی را وکیل خرید می‌کند و تسهیلات را مستقیماً به مشتری اعطاء می‌کند و او در مقابل فاکتور خرید کالا یا اموالی را ارائه می‌دهد. در این چارچوب، هیچ تضمینی برای مبادله واقعی کالا وجود ندارد. شواهد موجود نشان می‌دهد که در مواردی که متقاضیان با ارائه فاکتورهای صوری وجوه نقدی را از بانک دریافت کرده و در مدت مقرر اصل آن را به اضافه نرخ از

قبل تعیین شده به بانک بازپرداخت می‌کنند. علت اصلی وقوع این نوع معاملات ربوی آن است که، بانک‌ها خود را به طور مسقیم آن‌گونه که در قانون بانکداری بدون ربا تصریح شده است، درگیر خرید و تهیه اموال و کالاهای مورد نیاز مشتریان نمی‌کنند.

در برخی از قراردادهای اجاره به شرط تملیک، ملکی در اختیار بانک نیست تا اجاره بدهد. بدین ترتیب، قرارداد صوری میان بانک و متقاضی وجوه منعقد می‌شود و وجه نقد (وام) در ازاء بازپرداخت اصل، به اضافه درصدی مشخص به متقاضی پرداخت می‌شود. گرچه در عقد «سلف» شکل ظاهری قانون در قرارداد منعقد بانک و مشتری رعایت می‌شود، در عمل وجوه نقد مورد نیاز در چارچوب این قرارداد به متقاضی پرداخت می‌شود. متقاضی می‌باید در زمان مقرر اصل آن را، به اضافه نرخ از قبل تعیین شده به بانک مسترد نماید. در این قرارداد، در واقع محصولی پیش‌خرید نمی‌شود تا بانک در زمان مقرر محصول را دریافت و آن را به فروش برساند.

در خصوص قرارداد خرید دین، در بسیاری موارد بدون آنکه دین واقعی وجود داشته باشد، سفته صوری به بانک ارائه می‌شود. بانک‌ها نیز بدون بررسی و اطمینان کامل از واقعی بودن اسناد ارائه شده، به انجام عقد خرید دین اقدام می‌کنند. روشن است که در این شرایط، تسهیلات ارائه شده در این قالب شکل ربوی به خود می‌گیرد.

بانک‌ها در ارائه تسهیلات در قالب عقود مشارکتی، همانند مشارکت مدنی و مضاربه به ندرت با متقاضی تسهیلات طبق قرارداد منعقد با آنها و مشارکت واقعی مطرح در قانون عملیات بانکی بدون ربا رفتار می‌کنند. عقود مشارکتی، همچون مشارکت مدنی، حقوقی و مضاربه، در نظام بانکداری بدون ربا، به نحوی مورد استفاده قرار می‌گیرند که همان کارکرد عقود مبادله‌ای را دارند. بانک مدعی است که، نظارت بر نتیجه عملیات هر گیرنده تسهیلات و احراز میزان سود یا زیان وی، در توان نظام بانکی نیست. از این‌رو، بانک با اضافه کردن عقود ضمان و هبه و شروطی دیگر به عقود مشارکتی، به نوعی همان ساختار بهره را پیاده می‌نماید. بانک برای اطمینان از کسب سود، با به کارگیری ترکیبی از «هبه سود مازاد»، «تضمین زیان توسط مشتری» و «تضمین حداقل سود توسط مشتری»، نرخ قابل دریافت از

مشتری در عقود مشارکتی و مبادله‌ای را به رقم ثابت رسانده است. در این راستا، حتی متقاضیان دریافت تسهیلات به روش مشارکت علاوه بر به عهده‌گرفتن زیان، درصد سود معینی را نیز به نفع بانک تضمین می‌کنند. این در حالی است عقد مشارکت به عنوان یکی از محورهای بانکداری اسلامی بر توزیع عادلانه ریسک و بازدهی استوار است. با توجه به اینکه بر اساس مبانی فقهی شرط ضمانت حداقل سود مخالف مقتضای عقد شرکت است؛ تغییر در ساختار عقد مشارکت و تحمیل ریسک بر یک طرف موجب تبدیل آن به عقد قرض ربوی می‌شود، این همان مشکلی است که متأسفانه امروزه در نظام بانکی کشور اتفاق می‌افتد.

بر اساس آنچه گفته شد، دومین دلیل مهم عدم موفقیت نظام بانکی در اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا و عدم انطباق عملکرد بانک‌ها با آن، نحوه عمل بانک‌ها در احتساب سود تسهیلات اعطایی است. در نظر گرفتن سود ثابت و از پیش تعیین شده در ابتدای انعقاد قرارداد و عدم تغییر آن تحت عنوان حداقل سود مورد انتظار موجب تبدیل سود به برخی مشابه نرخ بهره در بانکداری ربوی می‌شود.

مشکل موجود در تعیین سود را می‌توان ناشی از عدم تمایل بانک‌ها به ریسک‌پذیری در فعالیت‌های اقتصادی دانست. این مسئله موجب شده که از یک سو، به رغم اجرای ظاهری قانون بانکداری بدون ربا، کارکنان و کارمندان بانک‌ها و از سوی دیگر، سپرده‌گذاران و متقاضیان دریافت تسهیلات از سوی دیگر، رفتارهایی مشابه رفتارهای موجود در بانک ربوی داشته و سود دریافتی سپرده‌ها — و پرداختی تسهیلات خود را به عنوان بهره تلقی نمایند. این امر تا جایی گسترش یافته که حتی مدیران ارشد نظام بانکی و سایر فعالان اقتصادی نیز همواره از نرخ بهره دریافتی و پرداختی سخن به میان می‌آورند. همچنین، تصور نظام بانکداری ربوی در میان کارکنان بانک موجب شده تا حتی حسابداری نظام بانکی بر اساس همان بانکداری ربوی عمل کند. به همین دلیل، سود پرداختی به بانک‌ها، در ترازنامه مشتریان، در ردیف «هزینه‌های مالی» و نه به عنوان «تقسیم سود» در قیمت تمام شده کالا و خدمات تولیدی یک مؤسسه، ثبت می‌شود. در این راستا، در

گزارش‌های توجیهی اقتصادی — فنی طرح‌ها، سود پرداختی به عنوان «هزینه‌های مالی» محاسبه و نه به عنوان سهم شود شریک و ذینفع در پروژه محاسبه و ارزیابی می‌شود. همانگونه که گفته شد، بانک‌ها در ارائه تسهیلات، وکیل سپرده‌گذاران بوده و سود دریافتی از گیرنده تسهیلات متعلق به سپرده‌گذار است. در این میان بانک طبق قرارداد، تنها باید از سپرده‌گذار حق‌الوکاله دریافت کند. این در حالی است که بانک‌ها سود دریافتی از گیرندگان تسهیلات را به عنوان درآمد بانک ثبت می‌کنند.

با بررسی دقیق قانون عملیات بانکی بدون ربا مشخص می‌شود که کلیه فعالیت‌های ذکر شده در قانون، اعم از سپرده‌گیری و ارائه تسهیلات را می‌توان در سه گروه و سه نوع فعالیت متفاوت، فعالیت‌های مربوط به قرض‌الحسنه، خرید کالا و اموال توسط بانک‌ها و فروش اقساطی به مشتریان (ارائه تسهیلات)، فعالیت‌های مشارکتی دسته‌بندی کرد علیرغم تفکیک صورت گرفته، مجریان قانون در عمل سازوکار اجرایی واحدی را برای آن در نظر گرفته‌اند. همین امر موجب شده تا نظام بانکی نتواند به صورت کامل قانون را اجرا نماید.

۳. تجهیز و تخصیص منابع قرض‌الحسنه

بانک‌ها بر اساس قانون، می‌توانند اقدام به جمع‌آوری سپرده‌های قرض‌الحسنه نموده و تسهیلات قرض‌الحسنه ارائه نمایند. چنانچه بیان شد، بر اساس تبصره ذیل ماده سه قانون، منابع حاصل از سپرده‌های سرمایه‌گذاری باید در امور مصرح در قانون استفاده شود. از سوی دیگر هرگونه سود پرداختی توسط بانک‌ها اولاً باید به صاحبان سپرده‌های مدت‌دار باشد، ثانیاً میزان این سود باید بر اساس نوع قرارداد منعقد — در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی و غیره — باشد. بر اساس آمار بانک مرکزی بانک‌ها در سال ۱۳۸۷ موفق به جذب ۱۷۴۳ هزار میلیارد ریال منابع جمع‌آوری کرده‌اند. از این میزان ۱۱۷۷,۶ هزار میلیارد ریال سپرده‌ها سرمایه‌گذاری مدت‌دار، ۳۶۷,۷ هزار میلیارد ریال سپرده دیداری قرض‌الحسنه و ۱۵۳,۹ هزار میلیارد ریال سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز و در مجموع، ۵۲۱,۶۸ هزار میلیارد ریال قرض‌الحسنه جذب شده است، بر اساس این آمار، در سال ۸۷ منابع قرض‌الحسنه بیش از ۴۴ درصد کل سپرده‌های بانکی را تشکیل داده‌اند.

در این سال، از کل تسهیلات اعطایی (معادل ۱۸۱۳,۱ هزار میلیارد ریال)، تنها رقم ۶۳,۷ هزار میلیارد ریال قرض الحسنه پرداخت شده است و با کسر رقم سایر در تسهیلات اعطایی، معادل ۱۴۴۸,۷ هزار میلیارد ریال در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی و غیره استفاده شده است. نکته حائز اهمیت این است که، حداقل معادل ۲۷۱,۱ (= ۱۱۷۷,۶ — ۱۴۴۸,۷) هزار میلیارد ریال تسهیلات پرداختی بانکها، در امور غیر قرض الحسنه از محل منابع قرض الحسنه — و سایر منابع همانند خط اعتباری و اضافه برداشت از بانک مرکزی و غیره — تأمین شده است. این وضعیت تقریباً در پنج ماهه اول ۱۳۸۸ نیز تداوم دارد. به نظر می رسد که استفاده از وجوه حسابهای قرض الحسنه به نفع صاحبان حسابهای سرمایه گذاری از شماعی استفاده کردن منابع در نظام بانکی ناشی می شود. در این چار چوب، صاحبان سپردههای مدت دار از سود حاصل از استفاده منابع قرض الحسنه در امور غیر قرض الحسنه بهره مند می شوند. این پدیده موجب می شود که امکان رعایت ماده پنج قانون عملیات بانکی بدون ربا در تقسیم سود ممکن نباشد.

آثار اقتصادی ربا

رواج ربا و آلوده شدن نظام پولی و بانکی کشور به این پدیده شوم، آثار منفی بسیاری بر اقتصاد داشته که در ادامه به برخی از پیامدهای آن اشاره می کنیم.

۱. رشد شدید معوقات بانکی

جدول شماره (۴) آمار رسمی منتشر شده بانک مرکزی راجع به مطالبات سررسید گذشته و معوق بانکها و مؤسسات اعتباری را نشان می دهد. طبق ارقام مندرج در این جدول، مطالبات نظام بانکی با افزایش از رقم ۶۹۸۲۰,۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۴، به رقم ۳۶۹۱۴۳ میلیارد ریال در پنج ماهه اول ۱۳۸۸ به بیش از پنج برابر افزایش یافته است. رقم معوقات در پنج ماهه اول ۱۳۸۸، معادل ۱۹/۵ درصد کل تسهیلات و ۱۹/۲ درصد کل سپردههای بانکها و مؤسسات اعتباری می باشد. رشد بسیار بالای مطالبات سررسید گذشته و معوق بانکها، علیرغم وجود برخی مواد کاملاً یک جانبه مندرج در قراردادهای بانکی و

وکالت‌های بلاعزلی که بانک‌ها در هنگام ارائه تسهیلات به متقاضیان خود دریافت می‌کنند رخ داده است. سؤال اساسی در این زمینه آن است که علت اصلی افزایش این رقم نجومی چیست؟ پیش از پاسخ‌گویی به این سؤال تذکر این نکته لازم است که، در شرایط فعلی بانک‌ها در قراردادهایی که با مشتریان خود منعقد می‌کنند، ضمن اخذ وکالت بلاعزل از مشتریان اختیارات بسیار وسیعی از آنها برای دریافت وجوه اعطایی اخذ می‌کنند. این اختیارات در مواد مختلف قراردادها گنجانده شده و برخی از آنها به شیوه‌های گوناگون در تمامی قراردادها تکرار شده است. به عنوان نمونه، در «قرارداد مشارکت مدنی احداث و تکمیل واحد ساختمانی و تاسیسات و نصب ماشین‌آلات طرح» شریک بر اساس ماده ۱۳ قبول و تعهد می‌کند کلیه خسارت بر اصل سرمایه را به هر میزان که بانک تعیین می‌کند، از اموال خود مجاناً به بانک پرداخت نماید. طبق ماده ۱۵، در صورتی که در پایان قرارداد واریز نقدی قیمت سهم‌الشرکه و سهم سود بانک برای شریک امکان‌پذیر نباشد، شریک متعهد می‌گردد سهم‌الشرکه بانک را با قیمت تمام شده به بانک بپردازد. چنانچه قیمت قابل فروش موضوع مورد مشارکت کمتر از قیمت تمام شده آن باشد، سهم بانک را به قیمت تمام شده خریداری و مابه‌التفاوت را از اموال خود تأمین نماید.

جدول ۴: آمار مطالبات سررسید گذشته و معوق (ارقام: میلیارد ریال)

رقم سایر- سال	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	پنج ماهه اول ۱۳۸۸
خرید دین	۱۰۶۵	۲۰۰۱	۲۲۳۰.۲	-----	-----
اموال معاملات	۳۶۵۵.۳	۸۳۷۲.۹	۱۱۲۳۳.۸	-----	-----
مطالبات سررسید گذشته و معوق	۶۹۸۲۰.۱	۱۰۸۹۱۵.۹	۱۶۳۹۳۳.۹	۲۷۶۷۲۴.۱۳	۳۶۹۱۴۳
جمع سایر	۷۴۵۴۰.۴	۱۱۹۲۸۹.۸	۱۷۷۳۹۷.۹	۳۰۰۷۸۷.۱	۴۰۱۲۴۲.۴

ماخذ: سایت اینترنتی بانک مرکزی ج.ا.ا، بخش پولی و بانکی، www.cbi.ir/category/2692.aspx

در ماده ۱۶ قید شده است که، شریک به بانک حق و اختیار می‌دهد تا بانک ظرف مدت و اعتبار این قرارداد، کلیه هزینه‌های مربوطه را تحت هر عنوان که باشد، حسب تشخیص

خود از محل هرگونه وجوه و دارایی و حساب شریک برداشت نماید. همچنین در ماده ۲۱ آمده است:

شریک بانک را وکیل بلاعزل خود با حق توکیل غیر قرار داد که چنانچه شریک یا قائم مقام قانونی وی حاضر به خرید سهم بانک نگردد و یا حاضر به فروش سهم شرکت خود از موضوع مورد مشارکت نشود، بانک حق داشته باشد نسبت به برداشت و منظور نمودن وجوه موجود در حساب مشترک مشارکت به حساب مطالبات خود و فروش پلاک موضوع مورد مشارکت و کلیه مستحقات و منصوبات آن طبق مقررات بانک اقدام نموده و حاصل فروش را نسبت به سهم شرکت تقسیم و سهم شریک را پس از کسر کلیه هزینه‌های مترتبه و سهم سود متعلقه به وی پردازد، در این مورد شریک حق هرگونه اعتراض و ادعای آتی و احتمالی را از خود ساقط نمود.

با ملاحظه این رویه، بار دیگر این سؤال تکرار می‌شود که، بانک‌ها با این اختیارات حقوقی وسیعی که از مشتریان خود می‌گیرند، چرا نتوانسته‌اند بیش از ۱۹ درصد از تسهیلات پرداختی را وصول کنند؟!

به نظر می‌رسد که اگر بانک‌ها طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا عمل می‌کردند و مطابق با قرارداد منعقد شده با مشتری اموال و کالاهای مشخص مبادله و یا طبق قرارداد مشارکت، در طرح‌های با توجیه اقتصادی مشارکت می‌کردند و خلاصه اینکه، به طور دقیق بر اساس قراردادهای بانکی عمل می‌کردند، این میزان معوقه بانکی ایجاد نمی‌شد و وجود این میزان معوقه، حکایت از عدم اجرای صحیح قانون عملیات بانکی بدون ربا و حتی عدم اجرای دقیق قراردادهای بانکی با مشتریان دارد. این حجم از معوقات بانکی حکایت از این واقعیت دارد، که، بانک‌ها از تمامی اختیارات قانونی در وصول مطالبات خود، که در قراردادهای از مشتری اخذ کرده‌اند، استفاده نکرده‌اند. این مسئله ممکن است دلایل متفاوتی داشته باشد که یکی از مهمترین آنها، صوری بودن این قراردادها در عمل است. بر این اساس، به جای آنکه کالایی بین بانک و مشتری مبادله شود یا مشارکتی در یک فعالیت انجام شود، بر خلاف قانون پول رد و بدل می‌شود.

۲. ربا، رشد اقتصادی و نقدینگی در ایران

در صورت اجرای دقیق قانون بانکداری بدون ربا و حذف ربا، مشارکت واقعی در تولید انجام می‌گیرد. در شرایطی که اقتصاد با ظرفیت تولید بدون استفاده مواجه است، اجرای دقیق قانون اثر رشد نقدینگی بر تورم را خنثی کرده و رابطه هماهنگی را بین رشد اقتصادی و رشد تسهیلات بانکی و نقدینگی موجب می‌شود. در این شرایط، اثربخشی نقدینگی بر تولید به شدت افزایش می‌یابد و رشد اقتصادی با رشد نقدینگی تقریباً با یکدیگر معادل می‌گردد. در شرایط فعلی این هماهنگی در اقتصاد ایران، وجود ندارد و همواره رشد نقدینگی بسیار بیشتر از رشد اقتصادی است. رشد نقدینگی به طور متوسط در دوره ۱۳۶۳-۱۳۸۷، ۲۵ درصد و رشد اقتصادی ۳,۳۷ درصد بوده است. این امر می‌تواند یکی از نشانه‌های عدم اجرای قانون و عملکرد ربوی نظام بانکی کشور باشد. جدایی بازار پول و کالا و تعیین نرخ بهره (ربا)، بدون توجه به بازدهی واقعی، بخش حقیقی اقتصاد و بورس بازی در بازار پولی از پیامدهای اصلی نظام ربوی است. این موضوع، از جمله دلایل اصلی بروز بحران در اقتصاد غرب و کاهش شدید اشتغال و تولید بوده است. از آنجا که، مبانی نظری این موضوع یعنی نحوه تأثیر بهره بر عملکرد نظام اقتصاد سرمایه‌داری در ایجاد بحران، کاهش رشد اقتصادی و افزایش بیکاری توسط اقتصاددان مشهور جان مینارد کینز تشریح شده است، به اختصار این موضوع توضیح داده می‌شود.

۳. بروز بحران‌های اقتصادی در اثر جدایی بازار پول و کالا

بنابر عقیده برخی از صاحب‌نظران اقتصاد غرب، عامل اصلی بروز بحران‌ها در این کشورها، جدایی بازار پول و کالا (واقعی) در اثر حاکمیت ربا بر اقتصاد بوده است. بحران اقتصادی در نظام اقتصاد بین‌المللی سابقه دیرینه دارد. با مروری بر تحولات اقتصادی دنیا در طول یک‌صد سال گذشته، می‌توان ردپای بحران‌های بزرگی را یافت که موجبات تحولات گسترده‌ای در علم اقتصاد نیز شده است. تاریخ، وقایع اقتصادی اوایل قرن بیستم را با نام «رکود بزرگ» می‌شناسد. سقوط بازار سهام، که در ۲۹ اکتبر ۱۹۲۹ معروف به «سه شنبه سیاه» اتفاق افتاد، نقطه آغاز این رکود عظیم در ایالات متحده بود و با فراگیر شدن آن، نه تنها اقتصاد آمریکا بلکه سایر اقتصادهای جهان را نیز دربرگرفت. سطح تولید نسبت به

سطح دو دهه قبل، به شدت کاهش یافت و حدود چهار میلیون نفر کار خود را از دست دادند و نرخ بیکاری به سطح بی سابقه خود، ۲۴/۹ درصد در سال ۱۹۳۳ رسید. تولید ناخالص ملی و شاخص ضمنی قیمت آمریکا در فاصله زمانی ۱۹۲۹-۱۹۳۳، به ترتیب ۳۰ و ۲۴ درصد کاهش یافت. ^۷ بیش از ۹۰۰۰ بانک ورشکسته و بسته شدند. قیمت نفت خام به ۵ سنت در هر بشکه تنزل یافت.

در زمینه دلایل بروز بحران‌ها، مطالعات گسترده‌ای انجام شده به گونه‌ای که این مطالعات منجر به پیدایش مکاتب مختلف اقتصادی شده است. در این مسیر راه‌حل‌های مختلفی نیز برای حل مشکل پیشنهاد شده و در نهایت برخی از آنها اجرا شده است. با وجود مطالعات عمیق و گسترده، با گذشت هفت دهه از بحران بزرگ هنوز مجامع علمی و آکادمیک اجماع واحدی در خصوص دلایل آن وجود ندارد برخی دلیل بروز بحران را در بخش پولی و برخی دیگر در بخش واقعی دنبال می‌کنند. آنچه در مورد این مشکل مسلم است آن که راه حل‌های مورد استفاده هیچگاه را حل نهایی نبوده‌اند. ^۸ چرا که، اگر این گونه می‌بود، اقتصاد جهانی در امروز شاهد بروز این بحران‌ها نبود. نکته حایز اهمیت در این خصوص، آن است که، تا زمانی که ریشه اصلی بحران شناسایی نشود، طبیعی است که راه‌حل قطعی و نهایی نیز قابل ارایه نیست.

مطالعات و تحقیقات در زمینه دانش اقتصادی از دهه ۱۹۳۰ با بروز بحران در اقتصاد جهانی شتاب خاصی به خود گرفته است. این شتاب در حقیقت مدیون مطالعات عمیق به نام اقتصاددان مشهور انگلیسی است. کینز با انتشار کتاب *تئوری عمومی اشتغال، بهره و پول* ^۹ در سال ۱۹۳۶ نگرش جدیدی را در تحلیل نوسانات اقتصادی ارائه کرد. وی سعی کرد با توضیح نحوه عملکرد نظام اقتصاد سرمایه‌داری در این دهه، دلایل وقوع بحران در این نظام را تشریح نماید. تحلیل‌های کینز حاوی نکات بسیار ظریف و دقیقی از نقش بهره و پول در عملکرد اقتصاد سرمایه‌داری است. او به همین دلیل نام «بهره» و «پول» را در عنوان کتاب ذکر کرده است. به نظر کینز بهره نقش اساسی در ایجاد بحران و بیکاری و کاهش رشد اقتصادی ایفا می‌کند. از آنجایی که، کنز این تحلیل اقتصادی را به عنوان یک شیوه جدید در مقابل تحلیل‌های پولی و نظری اقتصاد کلاسیک مطرح کرد، برای روشن‌تر شدن نظرات

کینز، نگاهی اجمالی به نظرات اقتصاد کلاسیک در زمینه نحوه عملکرد نظام اقتصاد سرمایه‌داری ضروری است.

الگوی اقتصاد کلاسیک-نئو کلاسیک^{۲۰}

نمودارهای شماره (۱) الگوی اقتصاد کلان کلاسیک-نئو کلاسیک (بخش واقعی) را نشان می‌دهد. این نمودارها، تعادل در سه بازار کالا، بازار نیروی کار و بازار سرمایه (وجوه قابل وام) را در قالب چهار نمودار و بدون در نظر گرفتن پول نشان می‌دهند. نمودار شماره یک، بیانگر تعادل در بازار سرمایه است. در این نمودار، نرخ بهره (قیمت سرمایه) "i"، "i^{*}"

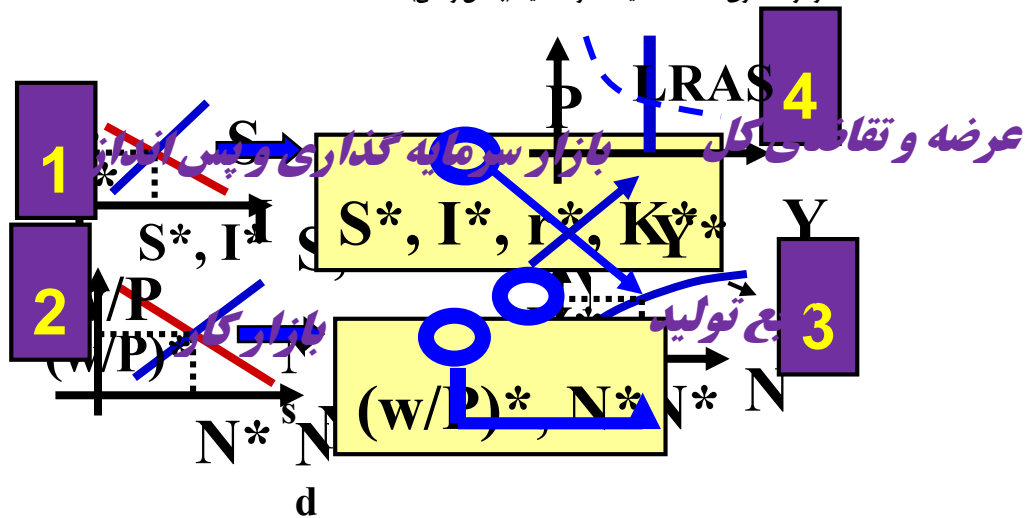
نرخ بهره اسمی و "r" نرخ بهره واقعی) می‌باشد $S = S(r)^+$

S - پس‌انداز و تابع مثبتی از نرخ بهره است.

- پس‌انداز در الگوی اقتصاد کلاسیک کل عرضه وجوه وام‌دانی را بیان می‌کند.

- سرمایه‌گذاری (I) و یا کل تقاضای وجوه وام‌دانی تابع منفی از نرخ بهره است. $I = I(r)^-$

نمودار ۱: الگوی اقتصاد کلاسیک-نئو کلاسیک (بخش واقعی)



با فرض ثابت بودن بازده نهایی سرمایه‌گذاری، با کاهش نرخ بهره، استقرار پول سودآور و در نتیجه حجم سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد. از نظر اقتصاددانان کلاسیک، نرخ

بهره (واقعی) از تقاطع منحنی‌های پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و در بازار سرمایه (بخش واقعی) تعیین می‌شود. نمودار شماره دو بازار کار را نشان می‌دهد. در این بازار، دستمزد اسمی "w" و دستمزد واقعی "w/P" می‌باشد. سطح دستمزدها $(w/P)^*$ و اشتغال (N^*) تعادلی از برابری عرضه (N^S) و تقاضای (N^D) نیروی کار به دست می‌آید. با تعیین انباره سرمایه تعادلی (K^*) و اشتغال تعادلی (N^*) و قرارداد آنها در تابع تولید $(Y=F(N^*,K^*))$ سطح تولید (Y^*) در شرایط اشتغال کامل به دست می‌آید. به عقیده کلاسیک‌ها، پول تنها وسیله مبادله است و مردم تنها به انگیزه‌ها مبادلاتی، پول نگهداری می‌کنند. بنابراین، پول به تنهایی هیچ قیمتی (نرخ بهره) ندارد، و از این رو، بازار پول به طور مستقل وجود ندارد. به نظر کلاسیک‌ها بازار پول و کالا دو روی یک سکه هستند. هر نوع پرداختی به پس‌انداز تحت عنوان «نرخ بهره» بر اساس بازدهی سرمایه‌گذاری تعیین می‌شود. بدین ترتیب، می‌توان چنین استنباط کرد که این نرخ بهره با مفهوم ربا تناسب زیادی ندارد. پول بر متغیرهای حقیقی هیچ تأثیری ندارد و در حقیقت، «پول فقط به عنوان یک حجاب بیش نیست». بر اساس فروض اقتصاد کلاسیک (تعیین نرخ بهره در بازار سرمایه واقعی) و عدم امکان استفاده از پول در فعالیت‌های بورس‌بازی و حذف بازار پول) مردم همواره به اندازه سهمی که در ایجاد تولید دارند، درآمد به دست می‌آورند و همواره کل این درآمد در اقتصاد به اشکال مختلف — مصرفی و یا سرمایه‌گذاری — هزینه می‌شود. بدین ترتیب، اقتصاد در بلندمدت همواره در شرایط تعادل اشتغال کامل قرار دارد و ارزش درآمد و تولید با ارزش مخارج کل در اقتصاد برابر می‌شود.

اقتصاد کینزی

کینز، در تحلیل دلایل بروز بحران بزرگ دهه ۱۹۳۰ ضمن انتقاد از الگوی اقتصاد کلاسیک، به کمبود تقاضای مؤثر اشاره می‌کند. به اعتقاد وی، الگوی کلاسیکی نمی‌تواند دلایل بروز بحران را حداقل در کوتاه‌مدت توضیح دهد. در تحلیل اقتصاد کینزی، پول و بازار پول نقش بسیار مهمی در ایجاد کمبود تقاضای مؤثر دارد. به عقیده کینز، استفاده از پول منجر به ناطمینانی می‌شود آبه نظر او، مردم به طور منطقی به غیر از انگیزه معاملات، با انگیزه

سفته‌بازی نیز پول نگهداری می‌کنند. بدین ترتیب، پول دارای قیمت (بهره) شده و قیمت آن و در بازار پول تعیین می‌گردد. این امر موجب می‌شود تا در نظام اقتصاد سرمایه‌داری، بازار پول از بازار سرمایه و کالا جدا شود. بر این اساس هیچ تضمینی وجود ندارد که نرخ بهره تعیین شده در بازار پول موجب ایجاد تعادل در بازار پس‌انداز و سرمایه‌گذاری شود. انگیزه سفته‌بازی پول موجب می‌شود که بخشی از پول از بازار کالا و سرمایه‌گذاری منحرف و برای بورس بازی و استفاده از موقعیت‌های سودآور اقتصادی نزد مردم باقی بماند. با این توصیف، نرخ بهره مورد بحث کینز، به مفهوم ربا بسیار نزدیک است. در بیان او، عدم تبدیل تمامی پس‌اندازها به سرمایه‌گذاری موجب کمبود تقاضای مؤثر می‌شود و اقتصاد در سطح تعادل زیر اشتغال کامل قرار می‌گیرد. دام نقدینگی^۳ و دام سرمایه‌گذاری^۴ کینز حالت‌های را در نظام اقتصاد سرمایه‌داری نشان می‌دهد که به دلیل جدایی بازار پول و سرمایه، موجب عدم برابری پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و کمبود تقاضای مؤثر می‌شود. نمودارهای شماره (۲) و (۳) این وضعیت را نشان می‌دهد.

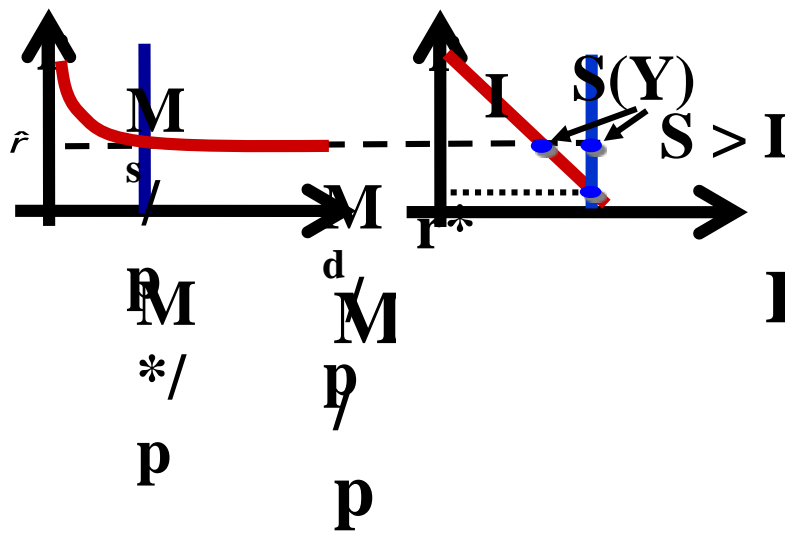
در نمودار شماره دو، در سمت چپ، تقاطع منحنی‌های عرضه (M^s/p) و تقاضای پول (M^d/p) نرخ بهره تعادلی \hat{r} را تعیین کرده است. در حالی که، در نمودار سمت راست (بازار سرمایه)، منحنی تقاضای سرمایه‌گذاری (I) و منحنی پس‌انداز (عرضه وجوه $S(Y)$) یکدیگر را در سطح تعادلی نرخ بهره (r^*) قطع کرده‌اند. در واقع، در این نرخ است که کل پس‌اندازها به سرمایه‌گذاری تبدیل می‌شود. اما نرخ بهره‌ای که در دیدگاه کینزی در بازار پول تعیین می‌شود و اکنون در سطح \hat{r} قرار دارد، از نرخ بهره تعیین شده در بازار سرمایه (r^*) بیشتر است. بنابراین، بخشی از پس‌اندازها به سرمایه تبدیل نمی‌شوند و کمبود تقاضای مؤثر در اقتصاد ایجاد می‌شود.

نمودار شماره سه حالتی را نشان می‌دهد که در آن، بنابر شرایط اقتصادی و پائین بودن حساسیت سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره، در بازار سرمایه در سطح منفی به تعادل رسیده است. در حالی که، نرخ بهره مثبت تعادلی اقتصاد (بازار پول) و سفته‌بازی برای پول موجب

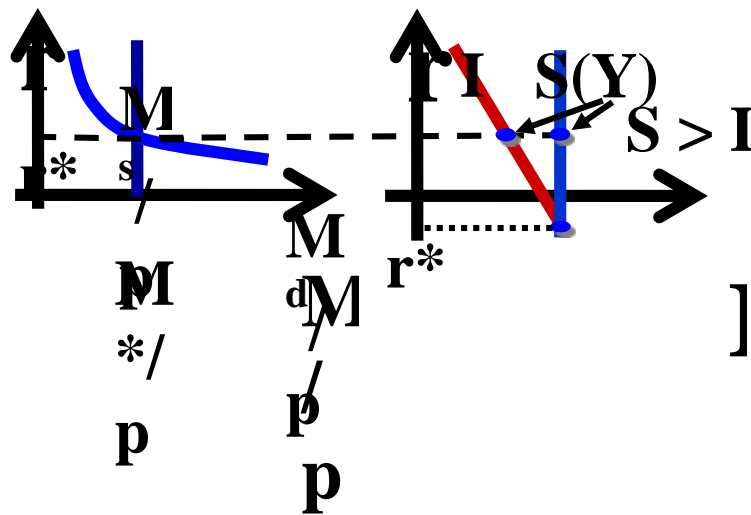
جدایی بازار پول، کالا و سرمایه شده و یکی از دلایل اصلی ایجاد کمبود تقاضا و در نتیجه، بحران است.^{۲۵}

نکته حائز اهمیت اینکه، با مطالعه دقیق کتاب — تئوری عمومی اشتغال، بهره و پول — کینز به روشنی آشکار می شود که او از پیشگامان مخالف بهره است. گرچه او هیچ گاه در نوشته‌های خود به طور مستقیم به این مسئله اشاره نمی‌کند. کینز به صراحت بیان می‌کند که نرخ بهره، نقش ویژه‌ای در محدود کردن سطح اشتغال ایفا می‌کند؛ زیرا مبنایی را تعیین می‌کند که کارایی نهایی سرمایه باید به آن برسد. این محدودیت در سرمایه‌گذاری، حجم اشتغال را کاهش می‌دهد و اقتصاد را در اشتغال ناقص قرار می‌دهد. اگر بحران‌های مورد اشاره عمیق تجزیه و تحلیل شوند، مشخص می‌گردد تمام این بحران‌ها یک خصیصه مشترکی دارند که ریشه اصلی بحران‌های بزرگ نیز بوده است. تمامی بحران‌های بزرگ مورد اشاره، به دلیل شکنندگی بازارهای مالی و ناهماهنگی آن با بازار کالا، ایجاد شده است. این ناهماهنگی‌ها زمانی ایجاد شد که پول نقشی فراتر از وسیله مبادله در اقتصاد بر عهده گرفت و برای آن قیمتی (نرخ بهره و ربا)، فارغ از بخش واقعی اقتصاد تعیین شده و بازار پول از بازار کالا جدا شود. چنانچه گفته شد، این همان نکته‌ای بود که ناجی اقتصاد سرمایه‌داری در دهه ۱۹۳۰ نیز به آن اشاره کرد؛ اما در عمل سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در نظام سرمایه‌داری بر مبنای آن شکل نگرفت.

نمودار ۲: دام نقدینگی و تعادل زیر اشتغال کامل:



نمودار ۳: دام سرمایه‌گذاری و تعادل زیر اشتغال کامل :



نکته حایز اهمیت این است که، پول در اقتصاد پولی، حکم گردش خون در بدن انسان را دارد. حال اگر پول بخواهد وظیفه دیگری در اقتصاد پیدا کند و قیمت آن خارج از بخش واقعی تعیین شود، مانند این است که فرماندهی گردش خون به صورت مجزا از بقیه

عملکرد بدن تعیین شود. از این رو، ممکن است هماهنگی لازم با اعضای ارگانیک بدن را نداشته باشد. که بر این اساس، هر آن امکان اختلال در حیات طبیعی بشر وجود دارد. وقتی که در نظام پولی اقتصاد، نرخ بهره ثابت عاملی برای تخصیص منابع پولی جامعه شود، در این صورت، بازار پول از هماهنگی با بخش واقعی خارج خواهد شد؛ چرا که دیگر عامل تخصیص منابع، بر اساس ملاحظات بخش واقعی اقتصاد نیست. این عدم هماهنگی در نهایت به ناسازگاری و ایجاد عدم تعادل در اقتصاد منجر شده که پیامد آن، مختل شدن گردش متوازن پول و کالا خواهد بود. در شرایط فعلی، یکی از نشانه‌های این عدم تعادل، چند برابر شدن ارزش بازار مالی نسبت به بازار واقعی است. بر اساس برآوردهای موجود، ارزش جهانی بازار اوراق قرضه حدود چهل و پنج تریلیون دلار است. حجم بازارهای جهانی سهام نیز حدود پنج تریلیون دلار برآورد می‌شود. بازار جهانی اوراق مشتقه هم حدود چهار صد و هشتاد تریلیون دلار برآورد می‌شود که به تنهایی بیشتر از سی برابر اندازه واقعی اقتصاد آمریکا و دوازده برابر بیشتر از کل اقتصاد واقعی جهانی است.^{۲۷}

این تحلیل را می‌توان در مورد بحران مالی سال ۲۰۰۸ نیز ارائه داد. در واقع این بحران به خاطر افزایش ورود بیش از حد جریان سرمایه‌ها به بخش مسکن رخ داد. با ایجاد بازارهای مالی چند لایه روی این بخش و انتشار اوراق رهنی به پشتوانه وام‌های اعطای شده در این بخش، حجم گردش پولی که در بخش مسکن جریان داشت، به شدت افزایش یافت. کارشناسان هشدار داده بودند که این بخش نیاز به این حجم عظیم از پول ندارد. با عدم توجه به هشدارها، با اشباع بخش مسکن، بازارهای مالی که روی این بخش تشکیل شده بود، به دلیل غیرواقعی بودن عمده آنها، به یکباره سقوط کرد. به دلیل جریان پول و سرمایه در کل اقتصاد، به سایر بخش‌ها نیز سرایت کرد. در این بحران مشکل اساسی در بخش مسکن نبود بلکه عامل بحران، جدا شدن بازار پول از بازار حقیقی کالاهاست. بررسی‌ها نشان می‌دهد تا زمانی که بهره پولی در این نظام وجود داشته باشد، بروز رکودهای دوره‌ای دور از انتظار نخواهد بود از این رو، علاج ریشه‌کن کردن رکود، حذف

قراردادهای ثابت پولی می‌باشد. این نحوه تعیین بهره در بازار پول، مصداق ربا می‌باشد، در دین مبین اسلام و سایر ادیان الهی ربا به شدت تحریم شده است.

خلاصه و نتیجه گیری

روح حاکم بر قانون عملیات بانکی بدون ربا، استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار است. مهم‌ترین ویژگی این قانون، تغییر نظام تجهیز و تخصیص منابع و معرفی عقود مشارکتی و مبادله‌ای و حذف بهره از نظام بانکی و جایگزین نمودن نرخ سود است. در قانون عملیات بانکی بدون ربا، معاملات می‌باید بر اساس عقود و روش‌های اسلامی انجام گیرد و بانک وکیل سپرده‌گذاران محسوب می‌شود. در مقابل، در بانکداری ربوی، نظام بانکی واسطه‌گری وجوه مالی را بر عهده دارد. سپرده‌گذار با قرار دادن وجوه خود نزد بانک، نرخ ثابت و از قبل تعیین شده‌ای را دریافت می‌کند. همچنین، متقاضیان وام وجوه مورد نیاز خود را با نرخ ثابتی (بهره)، که از سوی بانک تعیین می‌شود، دریافت می‌کنند.

با تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا در سال ۱۳۶۲ و اجرایی شدن آن از سال ۱۳۶۳، گرچه شکل ظاهری قانون در عمل حفظ شد و چارچوب قانون در قراردادهای منعقد شده بین بانکی و مشتری نیز کما و بیش رعایت گردید؛ اما تعیین نرخ سود علی‌الحساب، که در واقع حداقل نرخ تضمینی از قبل تعیین شده برای سپرده‌های مدت‌دار بود، از یک سو و نرخ ثابت تعیین شده در ارایه تسهیلات برای متقاضیان و صورتی شدن قراردادهای منعقد شده — فروش اقساطی، مشارکت مدنی، سلف و سایر عقود — در عمل موجب شد تا قانون به درستی اجراء نشود. در حقیقت، نظام بانکی فعلی، که از ادغام ۳۶ بانک ربوی دوران قبل از انقلاب ایجاد شده، مناسب اجرای معاملات مصرح در قانون نیست و در اجراء شکل ربوی به خود گرفته است. ربوی شدن نظام بانکی و انحراف از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، را می‌توان یکی از دلایل رشد شدید معوقات بانکی دانست. وجود ربا در نظام بانکی همچنین یکی از عوامل اصلی بروز بحران‌های اقتصادی در جهان و افزایش بیکاری و کاهش رشد اقتصادی کشورها بوده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. با تشکر و تقدیر از جناب آقای دکتر عیسوی به دلیل پیشنهادات ارزشمند ایشان که به غنای علمی مقاله افزود.

۲. « و اگر مردمی که در شهرها و آبادیها زندگی دارند ایمان بیاورند و تقوی پیشه کنند برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشائیم ولی (آنها حقایق را) تکذیب کردند ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.» (اعراف: ۹۶)
۳. «و هر کس از یاد من روی گردان شود زندگی تنگ (و سختی) خواهد داشت، و روز قیامت او را نابینا محسوس می‌کنیم.» (طه: ۱۲۴).
۴. همان.
۵. «چنانچه در روایات اسلامی برخی از مصادیق آن، ترک حج و نیز اعراض از ولایت امیرالمؤمنان علیؑ دانسته شده است.» ناصر مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، ج ۱۳، ص ۳۲۷.
۶. پرویز داودی و حسین صمصامی، *اقتصاد پول و بانکداری*، ص ۱۸۰-۱۷۵.
۷. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳.
۸. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسی‌های اقتصادی، «گزارش ادغام بانکها»، سال ۱۳۶۲.
۹. همان.

۱۰ <http://www.cbi.ir/category/2692.aspx>.

۱۱. سیدعلی اصغر هدایتی، «نگرشی بر مسائل اساسی نظام بانکداری بدون ربا در تجربه جمهوری اسلامی ایران»، *روند*، ش ۱۴ و ۱۵، ص ۴۳-۴۲.
۱۲. سود علی‌الحساب همواره مثبت است و هیچ‌گاه منفی نمی‌شود. از طرفی به سبب اینکه بانک رقمی معین مثلا ۱۴ درصد را در تبلیغات خود اعلام می‌کند، نمی‌تواند سود کمتری را به مشتری دهد بهمین جهت در عمل سود علی‌الحساب رقمی قطعی با نوسانات بسیار کم می‌باشد.
۱۳. قانون منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی متناسب با نرخ بازدهی در بخشهای مختلف اقتصادی، سایت اینترنتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، www.cbi.ir/simplelist/1531.aspx
۱۴. قراردادهای منعقد بین بانک و مشتریان در دریافت تسهیلات در عقود مختلف- این قراردادها به دلیل حجیم بودن آنها پیوست نشده است.
- البته در قراردادهای منعقد بانکها در زمینه عقود مشارکتی همانند مشارکت مدنی و مضاربه می‌توان موادی را ملاحظه کرد که کاملا به نفع بانکها بوده و مفهوم یک مشارکت واقعی را بر ندارد. دو مورد از آنها به عنوان مثال به شرح زیر است.
- الف) در برخی از قراردادهای مشارکت همانند قرارداد «مشارکت مدنی احداث و تکمیل واحد ساختمانی و تا سیسات و نصب ماشین آلات طرح» برخی مواد آن (همانند ۸، ۹، ۱۳، و ۱۵) کاملا یک طرفه بوده و مفهوم یک مشارکت واقعی را در بر ندارد.
- ب) در قراردادهای مضاربه، به عنوان نمونه قرارداد «مضاربه وارداتی» وارد آمدن هرگونه خسارت بر عهده عامل است (بندهای ۱۳ و ۱۷).
۱۵. سیدعلی اصغر هدایتی «نگرشی بر مسائل اساسی نظام بانکداری بدون ربا در تجربه جمهوری اسلامی ایران»، *روند*، ش ۱۴ و ۱۵، ص ۳۳.
۱۶. با توجه به اینکه در آمار رسمی بانک مرکزی ج.ا.ر. رقم مطالبات سررسید گذشته و معوق در سرفصل «سایر» در قسمت تسهیلات اعطایی بانکها و موسسات اعتباری آمده است و با عنایت به اینکه در سالهای ۱۳۸۶-۱۳۸۴ به طور متوسط همواره حدود ۹۲ درصد رقم سایر، مطالبات سررسید گذشته و معوق بوده است، این آمار برای سالهای ۱۳۸۷ و پنج ماهه اول ۱۳۸۸ از حاصل ضرب این رقم (سایر) در سالهای مزبور در ۹۲ درصد محاسبه شده است. لازم به ذکر است که این رقم

به احتمال زیاد، حداقل آمار مطالبات سررسید گذشته و معوق بانک‌ها و موسسات اعتباری است، چراکه بر اساس گزارش‌های منتشره نشده بانک مرکزی، در دی ماه سال ۱۳۸۸ رقمی بسیار بیشتر (حدود ۴۸۰,۰۰۰ میلیارد ریال) اعلام شده است.

۱ Mankiw, N. G, "Macroeconomics", 6 th Ed Worth Poblishers, p.297.

۱ Ibid, p.295.

۱ C.F: John Maynard Keynes "*The General Theory of Employment, Interest, and Money*"

۲ Froyen, Richard T, "Macroeconomics: Theories & Policies", 7th Edition. Prentice Hall, p 120-125.

۲ *piercing the veil*

۲ Dornbusch, R., S. Fischer, and R . Startz , "MarcoEconomics", 10th Ed, McGraw-Hill college, p.140.

۲ Liquidity Trap

۲ Investment Trap

۲۵. لازم به ذکر است که در تحلیل‌های کلاسیکی بازار پول، به دلیل عدم وجود تقاضای سفته‌بازی برای پول و تعیین نرخ بهره در بازار سرمایه کلیه پس‌اندازها به سرمایه‌گذاری تبدیل می‌شود و کمبود تقاضای در بازار کالا ایجاد نمی‌شود.

۲ John Maynard Keynes, "The General Theory of Employment, Interest and Money", p.141.

۲ Abul Hassan, "The Global Financial Crisis and Islamic Banking", p.2.

منابع

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳، «خلاصه تحولات اقتصادی کشور»، اداره بررسی‌های اقتصادی.
- _____، «گزارش ادغام بانک‌ها»، ۱۳۶۲ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- ، «گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۸۵» ۱۳۸۷، اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی ج.ا.ا.
- ، گزارش «سیستم بانکی موجود و مسائل مربوط به سیستم بانکی آینده»، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، آذرماه ۱۳۶۲.
- ، «مجله بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» ش ۲۸۹ و ۲۹۰، سه ماهه اول و دوم ۱۳۸۵، سال چهل و پنجم.
- _____، «قانون عملیات بانکی بدون ربا»، ۱۳۶۲، انتشارات بانک مرکزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی.
- _____، «خلاصه تحولات اقتصادی کشور»، ۱۳۸۷، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- _____، «نماگرهای اقتصادی»، سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۸۶.
- ، «قانون منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی متناسب با نرخ بازدهی در بخش‌های مختلف اقتصادی» سایت اینترنتی قوانین مرجع، www.cbi.ir/simplelist/1531.aspx
- _____، سایت اینترنتی، بخش پولی و بانکی، www.cbi.ir/category/2692.aspx
- ، «مجموعه قوانین پولی و بانکی و سایر قوانین مربوطه»، ج ۱ و ۲، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی بانک مرکزی، جمهوری اسلامی ایران.
- داودی، پرویز، صمصامی، حسین، *اقتصاد پول و بانکداری*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.
- ریاست جمهوری، «مجموعه قوانین پولی و بانکی (مشمول بر قوانین و مقررات معتبر)»، معاونت پژوهشی، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، تهران، ۱۳۷۹.
- والی‌نژاد، مرتضی، «مجموعه قوانین پولی و بانکی کشور»، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه آموزش بانکداری.
- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۴، ج ۱۳.
- وزارت امور اقتصادی و دارایی، *فصلنامه بانک، عملکرد بانک‌های دولتی و خصوصی در پایان اسفند ۱۳۸۵*، معاونت امور بانکی، بیمه و شرکت‌های دولتی، ش ۹، خرداد ۱۳۸۶.
- هدایتی، سیدعلی اصغر، «نگرشی بر مسائل اساسی نظام بانکداری بدون ربا در تجربه جمهوری اسلامی ایران»، *رونده*، ش ۱۵ و ۱۴، پائیز و زمستان ۱۳۷۲.
- Abul Hassan, "The Global Financial Crisis and Islamic Banking", 2009.
- Websit, <http://www.islamic-foundation.org.uk/IslamicEconomicsPDF>.
- Dornbusch, R & Others, *MarcoEconomics*", 10th Ed, McGraw-Hill college, 2007.
- Froyen, Richard T, "Macroeconomics: Theories & Policies", 7th Edition. Prentice Hall, 2002.
- Keynes, J. Maynard, "The General Theory of Employment, Interest and Money", UK: Palgrave Macmillan, 1936.
- Mankiw, N. G, "Macroeconomics", 6th Ed Worth Publishers, 2007.

- Mishkin, F, "The Economics of Money, Banking and Financial Markets", Addison - 8.th edition, Wesley Longman, 2006.
- Siddiqi, M.N, "Current Financial Crisis and Islamic Economics", Radiance Viewsweekly, Vol. Vol. XLVI No.38, 2009-01-04.
- Jagdish H, Monetary theory. Mc Graw-Hill, 2000.